

کافکسنگاره → منالی قهریان

سن‌پترزبورگ

این ستون قرار است به ارزشگذاری فیلم‌های روی پرده بپردازد. در این ستون از منتقدان سینمایی می‌خواهیم به فیلم مورد نظر بر اساس جدول ارزشگذاری ستاره بدهند. این امتیازها همه بخش‌های فیلم از جمله کارگردانی، فیلمنامه، بازیگری و فنی را دربرمی‌گیرد.



کارگردان: بهروز افخمی
نویسنده: پیمان قاسم‌خانی و محراب قاسم‌خانی
بازیگران: امین حیایی، محسن تائبنده، بهاره رهنما، اندیشه فولادوند، امید روحانی، پیمان قاسم‌خانی و...
خلاصه داستان: داستان این فیلم کمدی پرحادثه در مورد رفاقت، بلوف، عشق و... است.

خوب ★★→



تصویر تاریخ باطنزی ظریف

فیلمنامه‌نویسی: فیلمنامه جذاب و پرکششی است. با اینکه به نوعی تقلید از چند فیلم قدیمی خارجی محسوب می‌شود ولی با توجه به تلفیق مسائل تاریخی به نظم طنز خوبی در این شرایط و حال و هوا از کار درآمده. شوخی‌های ظریفی دارد و شخصیت‌ها چندوجهی و جذابند.
کارگردانی: کارگردانی افخمی نصف‌نیمه است. تا جایی که خبر دارم در مرحله نهایی فیلم حضور نداشته و خودش هم مدعی است که بدون حضور او فیلم را تمام کرده‌اند. با وجود این در بخش‌هایی از فیلم یک جو روانی و تسلط بر ابزار فیلم دیده می‌شود. شاید اگر فیلم در نهایت با نظر خود او تمام شده بود امتیاز بیشتری می‌دادم.
بازیگری: دو بازیگر اصلی محسن طائبنده و پیمان قاسم‌خانی هر دو در حد خیلی خوب ظاهر شدند. به اعتقاد من محسن طائبنده پتانسیل این را دارد که به یک پرده در عرصه بازیگری تبدیل شود. او هم می‌تواند نقش‌های درام را بازی بکند و هم در نقش‌های طنز و شبه‌طنز خیلی آدم مسلطی است و خودش هم فیلمنامه‌نویس است و فکر می‌کنم جایگزین خیلی خوبی است برای تعدادی از بازیگران در این رنج سنی بالای ۳۰، ۳۵ سال که کم‌کم دارند پا به سن پیری می‌گذارند. پیمان قاسم‌خانی هم با وجود اینکه ادعای بازیگری ندارد ولی مثل اینکه عشق بازیگری دارد، در این فیلم به خصوص خیلی خوب است. همپای محسن طائبنده جلو آمده و ظرایفی در بازی او وجود دارد که فوق‌العاده است. البته چون خودش فیلمنامه را نوشته تسلط خوبی داشته. من واقعاً انتظار این بازی روان و دوست‌داشتنی را از او نداشتم.
بخش فنی: در این شرایط در قیاس با سینمایی که الان موجود است فیلمی قانع‌کننده است. البته نه در مقایسه با سینمای دهه‌های ۶۰ و ۷۰. فیلمی است که بدون تحمیق کردن، توهین و چندش‌آور بودن مردم را می‌خنداند. در شرایط فعلی و در بین این اراجیفی که به اسم فیلم بر پرده سینما هست این فیلم یعنی موفقیت. متأسفانه فیلم‌های بر پرده فقط با تحمیق و توهین و چندش‌آور بودن مردم را به خنده وامی‌دارند.

خوب ★★★→



درک درست از طنز

فیلمنامه‌نویسی: فیلمنامه سن‌پترزبورگ یکی از ویژگی‌های شاخص این فیلم است. نوشته پیمان قاسم‌خانی بسیار خوب است. او درک درستی از موقعیت کمیک و طنز دارد. شوخی‌نویسی‌های جذاب او در طول فیلم کاملاً مشهود است.
بازیگری: محسن تائبنده و پیمان قاسم‌خانی زوج خوبی در فیلم هستند. قاسم‌خانی درک بسیار درستی از شخصیتی که خودش نوشته، دارد، و بهترین گزینه برای بازی در این نقش بود. محسن تائبنده هم قابلیت خود را برای بازی کمیک در فیلم نشان داده است. در مجموع بازیگری و فیلمنامه از نکات برجسته این فیلم هستند.
کارگردانی و بخش فنی: در بخش کارگردانی و سایر قسمت‌ها از جمله فیلمبرداری و تدوین و صدا و... همگی در حد استاندارد هستند و توانسته‌اند یک کار خوب و درخور ارائه دهند. در کل عوامل فیلم در این بخش‌ها پایین‌تر از سطح استاندارد کار نکرده‌اند اما ویژگی شاخصی مثل فیلمنامه و بازی‌ها در این قسمت نیست.

خیلی‌خوب ★★★→



کمدی بدون ابتذال

فیلمنامه‌نویسی: سن‌پترزبورگ در ژانر کمدی تعریف می‌شود و یک اثر استاندارد برای سینمای امروز ایران است. فیلمنامه جزیی‌نگر و خوبی دارد. طنز به اندازه‌ای در داستان جریان دارد که به افراط و ابتذال کشیده نمی‌شود.

کارگردانی: قطعاً در مقابل آثاری چون عروس و شوکران و کوچک جنگلی نمی‌تواند بهترین کار آفندی باشد. او کارهای بهتری در کارنامه‌اش داشته، ولی برای سینمای امروز ما که پر از کمدی‌های سخیف شده این فیلم غنیمت است. مردم را می‌خنداند و فیلم سالمی است. افخمی توانسته این کمدی را خوش‌ساخت دربیورد و باعث لذت بردن مردم شود.
بازیگری: سانس‌خانی که خودش فیلمنامه را هم نوشته در کنار تائبنده زوج بسیاری خوبی هستند و بار اصلی لحظه‌های کمدی فیلم بر دوش این دو نفر است.
بخش فنی: این فیلم از نظر استانداردهای فنی قابل قبول است. بعضی صحنه‌ها کمی طولانی شده و چند دقیقه کمتر بودن فیلم ضرری به آن نمی‌د. بعضی قسمت‌های فیلم هم کمی از ریتم افتاده اما با همه اینها سن‌پترزبورگ بهترین فیلم فصل است.

کلیک →

● **ملک سلیمان**

کارگردان: شهریار بحرانی، **تهیه‌کننده:** مجتبی فرآورده، **بازیگران:** امین زندگانی، محمود پاک‌نیت، حسین محبوب، مهدی قفیه، ارزنگ امیرفضلی، الهام حمیدی و...
فیلم «ملک سلیمان» به عنوان اولین فیلم میلیاردی امسال نامش ثبت شده است؛ فیلمی که با وجود فروش دو میلیاردی شائبه‌های زیادی در این زمینه برایش وجود دارد. این فیلم که با هزینه اعلام شده رسمی پنج میلیاردی نهادهای دولتی سینما ساخته شده، اکنون توانسته تنها ۴۰ درصد هزینه خود را جبران کند.

● **نخودی**

کارگردان: جلال ظافمی، **تهیه‌کننده:** فرشته طائرپور، **بازیگران:** صابر ابر، رعنا آزادی‌ور، مرضیه برومند

دیگر فیلمی که این روزها با هزینه بنیاد فارابی ساخته شده است فیلم «نخودی» است که ۶۵۰ میلیون تومان هزینه کامل آن داده شده است. این فیلم با حضور بازیگران حرفه‌ای اولین تجربه بنیاد فارابی در ساخت فیلم‌های کودک، بعد از سال‌ها بوده است. فروش ۷۰ میلیونی این فیلم نشان می‌دهد هنوز نتوانسته آنجنان مورد توجه قرار گیرد.

● **و آسمان آبی...**

کارگردان: غزاله سلطانی، **تهیه‌کننده:** قاسم قلی‌پور
این فیلم مستند زندگی عزت‌الله انتظامی است که درباره روند زندگی خصوصی او نکته‌های جالبی را گفته است؛ از ایستادن در صف نان، این فیلم تصویری مستند از زندگی و آثار استاد عزت‌الله انتظامی در طول بیش از ۷۰ سال فعالیت تئاتری، سینمایی، فرهنگی و اجتماعی است.

● **لطفاً من‌اجم نشوید**

کارگردان: محسن عبدالوهاب، **تهیه‌کننده:** محمد احمدی، **بازیگران:** افشین هاشمی، هدایت هاشمی، باران کوثری، حامد بهداد
اولین فیلم عبدالوهاب که از دنیای مستند قدم به سینمای داستاگو گذاشته است فیلمی است که سه داستان را همراه هم پیش می‌برد؛ درباره یک مجری که به شهرت رسیده و اختلافاتی که با همسرش دارد در کنار یک پیرمرد و پیرزن که در دنیای خانه خود تنها مانده‌اند.

● **سینمای ایران**

سال پنجم ■ شماره ۱۱۲۰ ■ چهارشنبه ۳ آذر ۱۳۸۹

گفت وگو با حمید اعتباریان، تهیه‌کننده‌ای که فیلم‌هایش به جنجال می‌انجامد

تهیه‌کننده‌ها را

شبهه عابر بانک می‌بینند

خیلی علاقه‌ای به مطلع شدن از جزئیات فیلم ندارند.

– شاید این نگاه به دلیل تصویری که آقای بیضایی از تهیه‌کننده‌ها در فیلم «وقتی همه خوابیم» نشان دادند، باشد.

تجربه‌ای که من در این مدت در تهیه‌کنندگی به دست آوردم این بود که وقتی عقیده و ایده‌ای داشته باشم مجبورم به کارگردان‌ها بگویم. تو قبلاً هم همین مساله را گفته بودی که با مقابله او روبه‌رو نشوم. آقای بیضایی و فیلمسازانی که در حد استاد هم هستند متأسفانه در زمان مانده‌اند. متأسفانه ایشان وقتی از یک تهیه‌کننده یا مثلاً یک پلیس ناراحت باشند آن را مستقیماً در فیلم نشان می‌دهند. آخرین فیلم ایشان هیچ گونه نشانی از یک استاد، یک اسطوره ندارد، چون خودرای هستند و به تهیه‌کننده اجازه نمی‌دهند کارش را بکنند، که متأسفانه اشکال عمده این دست فیلمسازان قدیمی است ولی این دلیل نمی‌شود که فکر کنیم این فیلمسازان قدیمی هرچه می‌گویند درست است و این یک مقدار کم‌لطفی هست.

– خود شما اگر بخواهید بزرگ‌ترین مشکل و کمبود سینمای ایران را توصیف کنید به چه نکته‌ای اشاره می‌کنید؟ چقدر مسوولان می‌توانند در حل این مسائل کمک کنند؟
متأسفانه روابط کارگردان و تهیه‌کننده بسیار بد تعریف شده است. همیشه این کارگردان بوده که در یک فیلم خوب خود را بالا می‌کشد. چرا فقط باید کارگردان خودش را بالا بکشد، چرا سچ فکر نمی‌کنند این فیلم تهیه‌کننده، بازیگر، تدوینگر، فیلمبردار و... داشته و این اشکال از کارگردانی نیست؟ اشکال از بعضی تهیه‌کننده‌هاست که سینما را به عنوان یک کار فرهنگی نمی‌بینند و آن را دکان یا مغازه می‌بینند. و بالطبع بدون اینکه نقش سازنده‌ای در به وجود آوردن یک اثر داشته باشند، تمام اعتبار کار را به کارگردان می‌دهند و فقط به منافع مادی بسنده می‌کنند. که البته شاید این تهیه‌کنندگان کم باشند و انگشت‌شمار. از طرف دیگر تهیه‌کننده‌هایی هم داریم که نقش آنها در تولید یک اثر شاخص و واضح است. به همین دلیل بعضی از کارگردان‌ها، تهیه‌کننده را فقط به عنوان یک سرمایه‌گذار می‌شناسند و هر نوع دخالت و اظهارنظری را رد می‌کنند یا اکثر تهیه‌کننده‌ها دخالت نمی‌کنند و به عنوان واسطه پولی را از سرمایه‌گذار گرفت و در اختیار مدیر تولید قرار می‌دهند و خودشان دیگر نقشی ایفا نمی‌کنند.

–**تصویری که این روزها از تهیه‌کننده‌ها در سینما وجود دارد سبب شده این نگرش منفی درباره این صنف وجود داشته باشد، هرچند شما خودتان از درون‌شان آرا بدسخن می‌گویید.**
خب این نوع تهیه‌کننده و کارگردان در همه جای دنیا هست ولی یکی از این دو را انجام می‌دهند اگر بکنند برای این است که از مالیات فرار کنند. همان طور که در بالا عرض کردم تهیه‌کننده سخت‌ترین بخش تولید یک اثر را بر عهده دارد که شامل تامین سرمایه، انتخاب فیلمنامه، انتخاب کارگردان و انتخاب اکثر عوامل فیلم است. در حقیقت تهیه‌کننده به قول یکی از دوستان، پدر روحانی یک اثر است و از الف شروع تا سال‌های سال کنار فیلم حضور دارد، البته این به آن معنا نیست که تهیه‌کننده در کار هنری کارگردان دخالت کند و هم به آن معنا نیست که کارگردان در مسائل مالی و همین طور که از اسمش پیداست در تهیه امکانات فیلم دخالت کند. یعنی هر کدام باید در حدود وظیفه تعریف‌شده دخالت کنند. خود من چندین بار با این وضعیت روبه‌رو بوده‌ام که بعضی کارگردان‌ها کار را خیلی دوستانه شروع می‌کنند ولی در ادامه عملکرد آنها تغییر می‌کند. بعضی وقت‌ها دیدام کارگردان‌ان اگر توصیه‌ای از تهیه‌کننده درست هم باشد آن را اجرا نمی‌کنند و مقابله می‌کنند. یعنی از نظر بعضی کارگردان‌های محترم تهیه‌کننده نقشی به جز تامین سرمایه فیلم ندارد و بیشتر به یک عابربانک شبیه‌اند و این به آن علت است که سابق بر این تهیه‌کنندگانی بودند که سواد آجنطانی نداشتند و بالطبع فقط واسطه سرمایه‌گذار بودند و فیلم می‌ساختند به همین علت سینما نمی‌شناسند و

● **سعيدۀ خدايش** ●

قبل از آغاز اکران فیلم سن‌پترزبورگ ماجرای

در حقیقت به دلیل ضعف موجود در تشکل‌های تهیه‌کننده‌است. این قضیه را به این شکل می‌توان دید که اگر صودی هم هست باید به کارگردان برسد. موردی را دیدم که کارگردان- تهیه‌کننده که در حال گرفتن صحنه بسیار حساس فیلم بوده توسط مدیر تدارکات صدا زده می‌شود که چه غذا و صندلی‌ها را بدهد. آقای کارگردان- تهیه‌کننده صحنه را ول می‌کند شروع به چانه‌زنی بر سر مبلغ و موعد چک می‌کند و بعد که به صحنه می‌گردد یادش می‌رود چه صحنه‌ای می‌گرفت و چون اعصابش از نحوه پرداخت به هم ریخته بود همین را بر سر بازیگر بیچاره خالی می‌کند. آیا این درست است؟ آیا این کار گرفتن یک حق از صنف تهیه‌کننده‌ها نیست که می‌توانست این وسط حضور داشته باشد و وظایف خود را انجام دهد؟

–**این صحبت را می‌توان درباره انتظاراتی که تهیه‌کننده‌ها از کارگردانان دارند و کارگردانان از تهیه‌کننده‌ها دارند نیز ادامه داد.**

اصولاً من با همفکری و کار گروهی موافقم و به آن اعتقاد دارم و از تمام عوامل فیلم نظر می‌گیرم و می‌خواهم کارگردانی که با او کار می‌کنم به

همین شکل باشد چون گاهی ضعف‌هایی در قصه و فیلمنامه هست که توسط کارگردان از تهیه‌کننده دیده نمی‌شود. بنابراین باید اجازه دهم بقیه عوامل این حرکت جدید اداره کل به اتحاد یکپارچه ملاحظه. خیلی وقت‌ها نظر خوب ممکن است از هر یک از عوامل بیرون بیاید و یک اتفاق را شکل دهد. مثلاً من خیلی وقت‌ها دیدم بازیگر فیلمنامه را به خانواده خود می‌دهد که بخوانند و بگویند چقدر در فیلم نقش دارد و بر اساس آن فیلم را قبول کند یا نه، که این اشتباه است و اعتقاد دارم حتی کسانی که نقش کمی در فیلم دارند باید کاملاً در جریان و جو فیلم قرار بگیرند تا حتی در زمان کوتاه هم بهترین بازدهی و نقش‌آفرینی را داشته باشند.

– **شما این وضعیت را چطور توصیف می‌کنید؟**
خوب این دو تا بحث دارد؛ یکسای اینکه من به عنوان یک تهیه‌کننده از این شرایط بسیار نگرانم و خوشحالم که مدیریت ارشاد این را به طور جدی دنبال می‌کند و امیدوارم تهیه‌کننده‌ها این را بدانند که این چنددستگی فقط به ضرر آنها می‌شود. حتی بعضی تهیه‌کننده‌ها که سال‌هاست فیلمی تولید نکرده‌اند در این تشکل‌های صنفی بسیار فعالند

فن‌کاشیه

برخی از تماشاگران و منتقدان بر این نکته تأکید داشتند که این فیلم بدون شوخی‌های جنسی و بی‌محتوا ساخته شده است.
آن‌گونه که شنیده شده در نسخه تولیدی ابتدایی فیلم سینمایی «سن‌پترزبورگ» نقش «امین حیایی» پررنگ‌تر بوده و حضور او در آخرین نمای فیلم در سکانس هواپیما گواه تأثیر بیشترش بر قصه اصلی است.

با تأکید بر اینکه می‌گویند کارگردان به دنبال تجربه‌گرایی بوده است اما یاغی‌گری اتفاق افتاده ولی در چارچوب سینمای کلاسیک.

نام فیلم به راحتی قابل بیان نیست و همچنین تلاکاردهای سرور سینما که در تضاد با سادگی فیلم قرار دارد و چیزی را از جنس فیلم که یک کمدی ساده است، نشان نمی‌دهد از اشاره‌ها و نکته‌ها منتقدان بوده است.

«سن‌پترزبورگ» با گروهی حرفه‌ای ساخته شده و در نهایت منتقدان به این نتیجه رسیده‌اند که داستانی جذاب دارد و بازیگران ر آن درخشیده بودند به خصوص زوج پیمان قاسم‌خانی و محسن تائبنده از اتفاقات خوب این فیلم است.

● حمید اعتباریان یکی از تهیه‌کنندگانی است که جنجال‌های ساخت فیلم‌هایش با بهروز افخمی و بهرام بیضایی در خاطره‌ها مانده است. بسیاری او را اشتهاریان فیلم «وقتی همه خوابیم» می‌دانستند که دل «بیضایی» را شکسته بود. هرچند او هم برای خود دلایلی دارد. اینها برای تهیه‌کننده‌ای است که در اولین قدمش به سراغ ساخت فیلمی درباره پشت صحنه سینما رفته بود؛ «ستاره‌ها» که بعداً سه قسمتی شد. اینها همه حاشیه‌هایی است که هنوز او را رها نکرده و هربار نیز بیشتر می‌شود. او خود را یک تهیه‌کننده مستقل می‌داند که ارتباط زیادی با مسوولان ندارد اما آرزوهای مختلفی دارد. از ساخت فیلم سه‌بعدی تا ساخت فیلمی بالاتر و معتبر تر از قیصر. با حمید اعتباریان درباره ارتباط مشکل‌دار بین کارگردانان و تهیه‌کنندگان صحبت کرده‌ایم.



در اختیار افراد خاص بوده چه برای ساخت پروژه‌های بزرگ و چه سرمایه‌گذاری در فیلم‌هایی که در نهایت به سالن سینما نیز راه پیدا نمی‌کنند. در اینجا پول و سرمایه دولتی بدون هیچ بازدهی به باد می‌رود و عملاً فارابی از نقش حمایتی‌اش خارج شده و فقط امکاناتش را در اختیار قشر خاصی از تهیه‌کننده‌ها وتولیدکننده‌ها قرار می‌دهد. این باعث شده بعضی از کارگردان‌ها به همه تهیه‌کننده‌ها به همین شکل نگاه کنند و اگر یک تهیه‌کننده بخواهد نظری داشته باشد آن را قبول نکنند یا اگر نظر خوب باشد آن را قبول می‌کنند ولی به حساب خود می‌گذارند. این باید تغییر کند و تهیه‌کننده‌ها درجه داشته باشند. به هر حال مشکل تهیه‌کننده و کارگردان معمولاً از اینجا شروع می‌شود.

– **شما گفته‌اید تمام امکانات برای ساخت یک فیلم سه‌بعدی را تهیه کرده‌اید، آیا می‌توانید در این زمینه توضیح بیشتری بدهید؟**

ساخت فیلم سه‌بعدی در چند سال اخیر یک انحصار در اختیار شرکت Imax بوده است. چند سال پیش یک شرکت امریکایی که توسط سه جوان تکنسین تأسیس شد یک سینما طراحی می‌کند که امکان ساخت سه‌بعدی را از انحصار Imax درمی‌آورد و با هزینه‌های بسیار کم شروع به بازاربایی در هالیوود می‌کنند. این موضوع از چهار یا پنج سال پیش در هالیوود به عنوان یک مساله جدی مورد توجه قرار گرفت و شرکت‌های تولیدکننده فیلم و استودیوهای تولیدکننده شروع به وارد شدن به این بخش کردند. و امروز ساخت فیلم سه‌بعدی هزینه‌های کمی دارد و روش‌هایش هم آسان‌تر و در دسترس‌تر شده است. این دستگاه تشکیل شده از یک سخت‌افزار و یک نرم‌افزار که تصاویر سه‌بعدی را به شکل دیجیتال ضبط کرده و بالطبع آپاراتی که مجیز به سیستم دیجیتال باشد از دست Imax درآمده است.

– **شما یک همکاری هم قرار بود با مسعود کیمیایی داشته باشید.**
فکر می‌کنم مسعود کیمیایی یکی از افراد منحصر به فردی است که زندگی با او برخورد کردم. حتی وقتی حرف می‌زدن از احساس می‌کنید دارد فیلم می‌سازد و کوپاژ می‌کند. ولی متأسفانه نشد که ما با هم کار کنیم. در کار آخری که انجام داد من نقش کوچکی داشتم و امیدوارم روزی برسد که در کنار یک گروه و سناریوی خوب و بی‌هیچ تنشی من با آقای کیمیایی فیلمی درست‌کنیم که حتی بالاتر از قیصر قرار گیرد.

رفته یا مقصد نادرستی را پیش گرفته است. سینما صنعت است و احتیاج به امکانات دارد. به نظر من دولت باید دست از سر سینما بردارد. مشکل ما این است که اقتصاد ما دولتی است. وقتی دولت دستش را کوتاه کند و به این واسطه ممیزی‌ها بی‌معنا شود در این شرایط دیگر سینما دارا می‌داند که سلیقه مخاطب خود را می‌شناسند و طبق آن بدون هیچ دخالتی فیلم می‌سازند. ما در سینمایمان را به روی دنیا بسته‌ایم و این مساله نیز به سیاستگذاری‌ها برمی‌گردد و همین مساله جلوی پیشرفت سینما را خواهد گرفت. در شرایط طبیعی باید دولت امکاناتی را که از ملت به دست می‌آورد برای خدمت به خود

ارتباط پیچ تهیه‌کنندگان و دولت

مردم مصرف‌کنند اما دولت ما فکر می‌کند لطف می‌کند که سرمایه ملت را در راه هنر آن ملت صرف می‌کند.

محمد نیک‌بین: این رابطه سیاه و سفید نیست رابطه دولت و سینما در این ۳۰ سال حالت سفید و سیاه نداشته است. برخی از این سال‌ها ارتباط میان دولت و سینما مثبت بوده است و در پارهای از مواقع نیت منفی بوده است و جلوی پویایی سینما را گرفته است. وجه مثبت حمایت کردن فیلمسازان داخلی در مقابل فیلم‌های جذاب خارجی بود و بستن درها و اجازه ندادن اکران این فیلم‌ها باعث شد بازیاری برای فیلم‌های ایرانی پیش آید و مخاطب چاره دیگری نداشته باشد و فیلم را ببیند. بسته شدن این درها باعث شد در دهه ۶۰ سینمای ایران رشد کند و حمایت‌هایی هم از دولت خارج از گذشت سال‌ها این عدم تعامل به ضرر سینما تمام شد و ممیزی‌ها و روی کار آمدن آدم‌های گوناگون در سمت مدیر نیز ضررهای جبران‌ناپذیری به سینمای ایران زد. من به عنوان تهیه‌کننده واقعاً نمی‌دانم باید چه فیلمی را بسا چه رویکردی بسازم به دلیل اینکه آدم‌هایی که بر سر کار می‌آیند هر کدام نظر خاصی دارند و فیلمساز مطمئن نیست کاری را که مجوز ساخت گرفته است بتواند نمایش دهد.

